

**Press and the area of interaction with the elements of the constitutional government during the first  
(parliament (1324-1326 AH))**

Abstract

With the victory of the constitutional movement and the fall of the authoritarian system, the political atmosphere of the country underwent fundamental changes. After the establishment of the constitutional system, the press continued to maintain and develop its role and importance as the most important means of mass communication. During this period, due to the reduction of restrictions and the opening of the political space of society, the critical and supervisory role of the press in all areas, especially in relation to the political structure of society, increased and received more attention. In this research, we intend to examine the way of their interaction with the political structure and elements of the constitutional government (parliament, government, court) by relying on the press of this period (1324-1326 AH). According to the findings, after the victory of the constitution and the establishment of the new political system, the relationship between the press and the parliament and the rulers, especially the Shah, experienced many ups and downs. Although the performance of the press in the free expression of news and events, as well as their critical approach to the social and political situation, and especially the critique of the government, increased after the constitutional victory, the enlightening and sometimes extremist content of some of these presses caused currents. There was dissent and reactions from the opposition to further restrict the press. This research has studied the subject of the research using historical method and descriptive-analytical approach and with emphasis on the press of this period.

key words Press, Constitution, Mohammad Ali Shah, First Assembly, Government

فاطمه بلندی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

حسین محمدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

مرتضی تهامی<sup>۳</sup>فواد پورآرین<sup>۴</sup>

چکیده

با پیروزی نهضت مشروطیت و سقوط نظام استبدادی، فضای سیاسی کشور دچار تغییر و تحولات اساسی گردید. پس از استقرار نظام مشروطه، مطبوعات همچنان نقش و اهمیت خود را به عنوان مهمترین وسیله ارتباط جمعی، حفظ کرده و توسعه دادند. در این دوره به دلیل کاهش محدودیتها و گشایش فضای سیاسی جامعه، نقش انتقادی و نظارتی مطبوعات در همه عرصه ها و خصوصا در رابطه با ساختار سیاسی جامعه افزایش یافته و بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در این پژوهش برآنیم تا با تکیه بر مطبوعات این دوره (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق) نحوه تعامل آنان با ساختار سیاسی و ارکان حکومت مشروطه (مجلس، دولت، دربار) را مورد بررسی قرار دهیم. بر اساس یافته ها، پس از پیروزی مشروطه و استقرار نظام سیاسی جدید، رابطه مطبوعات با مجلس و دولتمردان و خصوصا شاه دچار افت و خیزهای فراوانی شد. اگرچه عملکرد مطبوعات در بیان آزادانه اخبار و رویدادها و همچنین رویکرد انتقادی آنها نسبت به اوضاع اجتماعی و سیاسی و خصوصا نقد حاکمیت، پس از پیروزی مشروطه رشد و نمود بیشتری یافت اما مطالب آگاهی بخش و روشنگرانه و گاه تندرویهای برخی از این مطبوعات، باعث ایجاد جریانهای فکری مخالف و بروز واکنشهایی از سوی مخالفان در جهت ایجاد محدودیت بیشتر برای مطبوعات گردید. این تحقیق با استفاده از روش تاریخی و رویکرد توصیفی- تحلیلی و با تاکید بر مطبوعات این دوره به بررسی موضوع پژوهش پرداخته است.

واژگان کلیدی: تعامل، الگوهای تعاملی، مشروطه، حکومت، مجلس شورای ملی، مطبوعات.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) ([fatemehbolandi@yahoo.com](mailto:fatemehbolandi@yahoo.com))<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی [h.mohammadi@khu.ac.ir](mailto:h.mohammadi@khu.ac.ir)<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی [motahami20@khu.ac.ir](mailto:motahami20@khu.ac.ir)<sup>۴</sup> دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی [pour721@gmail.com](mailto:pour721@gmail.com)

مطبوعات یکی از مهمترین رسانه های اجتماعی و از مولفه های مهم توسعه فرهنگی و ارتباطات اجتماعی است که بخش عمده ای از فرهنگ مکتوب جامعه را تشکیل می دهد. انتشار روزنامه یکی از وقایع مهم تاریخ معاصر ایران به شمار می آید، به طوری که مطالعه تاریخ دو سده اخیر ایران بدون در نظر گرفتن نقش مطبوعات، ناقص خواهد بود. مطبوعات در ایران اگرچه با موانع بسیار رو به رو بودند اما در وقوع برخی از رویدادهای مهم تاریخی تاثیر به سزایی داشتند. تعامل مطلوب در روابط بین نهادها و ارکان حکومتی از مولفه های اساسی در اداره کشور و تحقق پیشرفت و رضایتمندی عمومی به شمار می رود و مطبوعات یکی از ابزار اصلی در جهت نیل به این هدف می باشند. با پیروزی انقلاب مشروطه، مطبوعات به یکی از عناصر اصلی در تعامل حکومت با مردم تبدیل شدند و نقش مهمی در تصمیم سازی و راهبردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولتمردان داشتند. همچنین تصمیمات و سیاستهای اتخاذ شده توسط حکومت، نقش اساسی در تعیین حدود اختیارات و کارکرد مطبوعات این دوره ایفا می کرد. هدف پژوهش حاضر تحلیل نحوه بازتاب اخبار و رویدادهای مهم در مطبوعات سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۶ ه.ق) و چگونگی تعامل حکومت و نشریات این دوره با یکدیگر است. برای دستیابی به اهداف مذکور پژوهش حاضر درصدد است به این پرسشها پاسخ دهد که وضعیت مطبوعات و رویکرد آنان نسبت به مسائل مهم کشور در سالهای بین (۱۳۲۶-۱۳۲۴ ه.ق) چگونه بود و همچنین در این دوره مطبوعات و حکومت مشروطه چه تعاملاتی با یکدیگر داشتند؟

## ۲- مبانی نظری

در جهان امروز رسانه های اجتماعی به مثابه ابزار قدرت، نقش مهمی در تحولات جوامع ایفا می کنند و مطبوعات بعنوان یکی از مهمترین این رسانه ها، نقش و تاثیر عمده ای در این تحولات و به ویژه ذهنیت سازی و جهت دهی افکار عمومی دارند. در مورد نقش و کارکرد مطبوعات نظریات مختلفی بیان شده است. یکی از مشهورترین این نظریات در کتاب «چهار تئوری مطبوعات»<sup>۱</sup> نوشته سبیرت<sup>۲</sup>، پیترسون<sup>۳</sup>، شرام<sup>۴</sup> (در سال ۱۹۵۶ م) مطرح شده و مطبوعات را به چهار گروه اقتدارگرا<sup>۵</sup>، آزادی خواه<sup>۶</sup>، مسئولیت اجتماعی<sup>۷</sup> و تمامیت خواه شوروی تقسیم کرده است. بر مبنای نظریه اقتدارگرا اختراع نشریات چاپی و دستگاه حروف چینی متحرک وقتی صورت گرفت که سلاطین مستبد و حکومتهای اقتدارگرا بر جهان مسلط بودند و مطبوعات وسیله

۱ - Four Theories of the press<sup>1</sup>  
 ۲ - Fred.s.Siebert  
 ۳ - Theodore Peterson  
 ۴ - Wilbur L. Schramm  
 ۵ - Authoritarian  
 ۶ - Librarian  
 ۷ - Soviet communist

تحقق و پیشبرد سیاست های مورد نظر این دولتها بوده و این وضعیت همچنان تا به امروز ادامه دارد. نظریه آزادی خواهانه مطبوعات از عصر روشنگری نشأت گرفته است و در تقابل با دیدگاه اقتدارگرا توسعه یافته است. بر اساس این نظریه مطبوعات که اغلب خصوصی هستند وسایلی برای نظارت بر دولت و برآوردن دیگر نیازهای جامعه هستند. نظریه سوم یا نظریه مسئولیت اجتماعی بر جنبه اطلاع رسانی و سرگرمی مطبوعات تاکید نموده و خواهان در اختیار گذاشتن تریبون آزاد جهت انعکاس نظرات مهم افراد جامعه شده است که نتیجه آن تضارب آرا و رشد مباحث در جامعه است و سرانجام نظریه تمامیت خواه شوروی که هدف رسانه ها را کمک به موفقیت و تقویت سیستم شورا دانسته است که در آن مطبوعات توسط دولت کنترل می شوند و رسانه ها در خدمت اعضای اصولگرای حزب قرار دارد (ورنر، ۱۳۸۱: ۴۴۱-۴۴۷). در واقع آنها تنها دو مدل اساسی اقتدارگرا و آزادی خواه را اعلام کردند که مدل شوروی امتداد مدل اقتدارگرا و مدل مسئولیت اجتماعی امتداد مدل آزادی خواه به شمار می رفت. در طول قرن بیستم محققان بسیاری بر روی مدل های این نظریه کار کرده و آن را کامل کردند اما ساختار اصلی مدل های چهارگانه حفظ شد (معمدنژاد و معتمدنژاد، ۱۳۸۶: ۲۶۶-۲۶۰). پژوهش حاضر که بررسی مطبوعات در دوره مجلس اول (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق) می باشد در چارچوب نظریه مسئولیت اجتماعی قرار دارد. چنانکه با وقوع انقلاب مشروطه و برچیده شدن دستگاه سانسور و ایجاد فضای آزاد سیاسی، برای اولین بار در تاریخ ایران، همه افراد اجازه انتشار افکارشان را یافته و در همین دوره کوتاه (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق) روزنامه های زیادی به چاپ رساندند. روزنامه های وابسته و فرمایشی دولتی و نیمه دولتی کم تیراژ و یا تعطیل شدند و حکومت هدف انتقادات مستقیم روزنامه ها قرار گرفت (طباطبائی، ۱۳۶۶: ۱۸۰).

### ۳- تعریف مفاهیم:

نظام سیاسی (حکومت): نظام سیاسی اعم از دولت، احزاب، نهادها و سازمان هاست که علاوه بر دولت، بسیاری از ساخت های سیاسی دیگر را در بر می گیرد و در عین حال، دولت مهمترین رکن و عنصر نظام سیاسی را تشکیل می دهد (نوروزی، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

دولت: مجموعه ای از نهادها که انحصار استفاده مشروع از خشونت و اجبار را دارند (Weber, 1978, 78). با هدف جلوگیری از اعمال خودسرانه زور توسط افراد یا گروه های دیگر در جامعه و تضمین بقا و ارتقای زندگی اجتماعی است. در پژوهش حاضر، دولت به معنی قوه مجریه و هیئت وزیران است و تنها به بخشی از حکومت اشاره دارد.

حاکمیت: حق انحصاری حکومت برای نظارت بر یک قلمرو ارضی معین است و بر مبنای آن حاکم بالاترین مرجع قانونگذار است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۱۱).

مجلس: در نظام های انتخابی، در اشاره به قوه مقننه و سیستم قانون گذاری یک کشور به کار می رود.

مشروطه: حکومتی که بر شالوده یک قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد و در آن، قدرت حاکمه از طریق قانون اساسی محدود و قدرت دولت به قانون محدود می شود (نوروزی، ۱۳۸۶: ۲۵۸).

## ۴. پیشینه تحقیق

مقوله مطبوعات از جهات مختلفی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و کتابها و مقالات متعددی در این باره به رشته تحریر درآمده است. با وجود تنوع و کثرت مطالعات و پژوهشهای مرتبط با مطبوعات، پژوهش مستقل و مجزایی در رابطه با نحوه تعامل مطبوعات با حکومت در دوره مجلس اول انجام نگرفته است. برخی از مهمترین کتب و مطالعاتی که به نوعی با موضوع این پژوهش مرتبط می‌شوند عبارتند از: "تاریخ جراید و مجلات ایران" نوشته محمد صدرهاشمی، "تاریخ تحلیلی مطبوعات" نوشته محیط طباطبایی، "تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت" از ادوارد براون، "روزنامه های ایران از آغاز تا سال ۱۲۸۹ش" نوشته ه.ل. رابینو. این پژوهشها با دید کلی به مقوله مطبوعات پرداخته و فاقد تمرکز بر موضوع واحد یا مقطع زمانی خاصی می‌باشند. همچنین مقالات فراوانی در این حوزه به نگارش درآمده اند که آنان نیز وجوه خاصی از مطبوعات را مورد توجه قرار داده و به موضوع پژوهش حاضر به طور محدود و پراکنده اشاراتی نموده اند. برای پرهیز از اطاله کلام، صرفا به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم: "پیشینه مطبوعات در ایران" "نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با تحلیل سرمقاله های روح القدس و صوراسرافیل نوشته رامین رسول اف و کرامت اله راسخ" "آسیب شناسی ظهور و کارکرد نخستین جراید تشکیلاتی در ایران در دهه اول مشروطیت" نوشته صادق زیباکلام و علیرضا باقری، "روزنامه مجلس اولین روزنامه ملی دوران مشروطیت" از غلامرضا فدایی. وضع مطبوعات، پیش و پس از انقلاب مشروطه اثر فرزاد پیلتن، "مطبوعات و روزنامه نگاری در دوران انقلاب مشروطه و اثر آن بر شیوه نگارش نوشته بهرام جبارلوی شبستری و نازیلا دیزجی" بررسی کتابها و مقالات مرتبط با مطبوعات نشان می‌دهد که تا کنون در مورد چگونگی تعامل مطبوعات با حکومت مشروطه در دوره مجلس اول (۱۳۲۶-۱۳۲۴.ه.ق) تحقیق مستقل و مجزایی انجام نشده است و اشارات در این مورد، پراکنده و یا به صورت مروری کوتاه در پژوهشهای دیگر آمده است. لذا خلا کار پژوهشی مستقل در این مورد، محسوس و انگیزه‌ای برای انجام تحقیقی مجزا در این مورد بود. با توجه به نقش و اهمیت غیرقابل انکار مطبوعات در پیروزی و استقرار نظام مشروطه، این پرسش مطرح می

شود که در شرایط جدید و تحت حاکمیت نظام تازه تاسیس مشروطه، مطبوعات چه وضع و جایگاهی داشتند و تعامل آنان با ارکان حکومت اعم از شاه و مجلس و دولت چگونه بود؟ پژوهش حاضر در تلاش است با بهره گیری از اسناد آرشیوی و منابع کتابخانه ای مبتنی بر روش تحلیلی-تاریخی به سوالات یاد شده پاسخ دهد.

#### ۵- نگاهی کوتاه به تعاملات سیاسی پیشین مطبوعات

قدیمی ترین روزنامه ایران را میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۵۴ هـ ق و در دوران سلطنت محمدشاه قاجار به راه انداخت (بهار، ۱۳۵۵: ۳۴۲) روزنامه وی بعدها به کاغذ اخبار معروف شد (میرزا صالح شیرازی، ۱۳۴۷: ۲۱). چهارده سال بعد اولین روزنامه دولتی به نام وقایع اتفاقیه به دستور امیرکبیر صدراعظم و زیر نظر دولت در تهران منتشر گردید (مولانا، ۱۳۵۸: ۷۴-۷۳). حکومت قاجار به منظور بهره برداری تبلیغاتی از مطبوعات در سال ۱۲۸۸ هـ ق وزارت مطبوعات را به ریاست محمدحسن خان صنیع الدوله تاسیس کرد، اولین اقدام صنیع الدوله در مقام وزیر مطبوعات، تاسیس روزنامه دولتی "ایران" (۱۲۸۸ق) بود که ارگان رسمی حکومت به شمار می آمد و اخبار دولتی و خارجی را در اختیار خوانندگان قرار می داد (حمید مولانا، ۱۳۵۸: ۸۸-۸۷). تعداد محدودی روزنامه نیز در شهرهای دیگری چون تبریز و اصفهان و فارس منتشر می شد (محیط طباطبایی، ۱۳۶۶: ۴۵). اغلب روزنامه ها دولتی بودند و حکومت کنترل شدیدی بر مطالب آنها اعمال می نمود. با تاسیس اداره سانسور در سال ۱۲۸۸ق و به دستور ناصرالدین شاه کنترل و نظارت دولتی بر مطبوعات سخت تر گردید (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳، ج اول: ۱۵۹). مدیران جراید از این پس موظف بودند مندرجات روزنامه را قبل از انتشار و فرستادن به مطبعه به وزیر انطباعات و جانشین وی نشان دهند (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۹). به واسطه همین سختگیریهای شدید بود که بسیاری از روشنفکران و آزادیخواهان برای رهایی از تقیث و سانسور دولتی، به کشورهای اروپایی و مصر و عثمانی و هندوستان مهاجرت کردند و در خارج کشور به چاپ روزنامه های فارسی زبان پرداختند. این روزنامه ها فارغ از نظارت دربار و دستگاه سانسور دولتی از آن سوی مرزها مردم را با افکار انتقادی جدید و انقلابی آشنا می کردند و از این طریق نقش تعیین کننده و اساسی در تحولات سیاسی آتی داشتند. مقالات جدی و تند این روزنامه ها در زمره عوامل بیداری مردم در دوره قاجار و وقوع انقلاب مشروطه به شمار می آید. از مهمترین این روزنامه ها می توان به روزنامه های اخترچاپ استانبول، حکمت، چاپ قاهره، جبل المتین چاپ کلکته، ثریا و پرورش چاپ قاهره اشاره کرد. ورود این روزنامه ها به داخل کشور ممنوع بود (کسروی، همان: ۲۵؛ صدرهاشمی، همان: ۱۱). برخی از این جراید به صورت قاچاق به وسیله گردشگران، مسافران و زوار، یا در میان بارهای تجاری به ایران آورده می شد و محرمانه

و با احتیاط دست به دست می‌گشت. سخت‌گیرها باعث پیدایش شب‌نامه‌ها گردید که زبان طنز را در روشنگریهای خود درباره حکومت و شاه به کار می‌گرفتند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۳: ۱۶۲؛ Nashat, 1982: 95-114). در عهد سلطنت مظفرالدین‌شاه، علاوه بر روزنامه‌های دولتی، چند روزنامه غیردولتی نیز به چاپ می‌رسید. مدیران این روزنامه‌ها در انتشار مقاله‌ها و خبرها آزادی نداشتند و همچنان موظف بودند مندرجات روزنامه را پیش از فرستادن به مطبعه به وزیر انطباعات و جانشین وی نشان دهند. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳ ج اول: ۹). علیرغم سانسور و نظارت شدید دولت بر مطبوعات، روزنامه‌ها و بخصوص مطبوعات تبعیدی کوشیدند ایرانیان را از حقوق سیاسی و اجتماعی شان آگاه سازند و از این راه زمینه را برای برقراری نظام پارلمانی، آزادی و عدالت آماده کنند. در آستانه انقلاب مشروطیت، ایرانیان طرفدار دگرگونی اجتماعی به اهمیت و نقش مطبوعات آگاه شده بودند و در صدد بهره‌گیری از مطبوعات در جهت ضدیت با استبداد و استعمار بودند. این همکاری دسته‌جمعی بین گروه‌هایی از روشنفکران و مبارزان خارج و داخل کشور به نارضایتی عمومی مردم جهت بخشید و به ایجاد زمینه‌های فکری مشروطیت یاری رساند.

#### ۶. مجلس اول و تدوین قانون مطبوعات

با صدور فرمان مشروطه در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ش (پنجم اوت ۱۹۰۶- ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ه.ق) تاریخ سیاسی- اجتماعی ایران وارد مرحله‌ی نوینی می‌شود. اندکی بعد از صدور این فرمان نظام نامۀ انتخابات تدوین شده و پس از امضای شاه دستور برگزاری انتخابات صادر شد. با برگزاری انتخابات، نخستین دوره مجلس شورای ملی در روز ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ق/ مرداد ۱۲۸۵ش، در عمارت گلستان با خطابه مظفرالدین شاه گشایش یافت (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۶۴۴).

بلافاصله بعد از صدور فرمان مشروطه، قانون اساسی مشروطه در تاریخ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ه.ق در ۵۱ اصل به تصویب مجلس رسید (مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، ۱۳۲۳: ۳۵). قانونی که به بیان شب‌نامه‌های عصر مشروطیت "اصل مقصود و مطلوب ایرانیان مظلوم [بود] و تصویب آن مایه «خیر مملکت و اسایش [نوع بود]» (شریف کاشانی، ج ۱: ۵۸-۵۵). اگر چه در قانون اساسی و خصوصاً در اصل سیزدهم آن کلیاتی راجع به مطبوعات، آمده بود اما تصویر روشنی از حقوق فردی و اجتماعی و آزادی مطبوعات ارائه نشده بود. لذا به منظور اصلاح نواقص موجود در این قانون، پس از فوت مظفرالدین شاه و جلوس محمدعلی میرزا بر تخت سلطنت، کمیسیونی در مجلس شورای ملی تشکیل گردید و طرح متمم قانون اساسی را تنظیم و برای تصویب به مجلس ارسال نمود که پس از تصویب مجلس شورای ملی در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ق به صحنه محمدعلی شاه رسیده و به مورد اجرا گذاشته شد (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۱۸۲). قانون اساسی از کلیات مسائل گفتگو کرده در حالیکه متمم، حقوق مجلس و دولت و دربار و شاه و ملت و حدود آن را مشخص نموده است (احتشام السلطنه، ۱۳۶۷: ۶۱۲).

اصل بیستم متمم قانون اساسی به موضوع مطبوعات و آزادی و عدم ممیزی در آنان پرداخته است (حبل المتین، سال ۱۵، ۱۱شوال ۱۳۲۵، ش ۱۷: ۲). این اصل را می‌توان دومین قانون مطبوعات به شمار آورد که اگرچه در آن، مواردی چون آزادی

قلم و زبان و عقیده برای همگان تامین شده بود، اما حدود این آزادی و قوانین یا مجازاتی که اهالی مطبوعات در صورت تخلف و عدم رعایت این قوانین مشمول آن می شدند، مشخص نشده بود و لذا نیازمند تدوین و تصویب قوانینی در جهت اصلاح نقایص موجود بود (حقدار، ۱۳۹۵: ۵۵۳-۵۴۷). سرانجام پس از گفتگوهای بسیار، مجلس در تاریخ ۲۴ محرم ۱۳۲۶ ق قانون مطبوعات را به تصویب رساند. قانون مطبوعات شامل یک مقدمه و شش فصل و در مجموع ۵۲ ماده بود. در این قانون، به مواردی چون تاسیس چاپخانه و چاپ و فروش کتاب و روزنامه پرداخته شده است و به هر ایرانی سی ساله که مرتکب جرم و جنایت نشده و مشهور به فسق و فساد عقیده نباشد حق اداره و انتشار روزنامه می دهد. همچنین به محاکمه و نحوه مجازات روزنامه نگاران و توقیف روزنامه ها توسط مامورین وزارت معارف پرداخته شده است. همچنین انتقاد از شاه و نشر مطالب مخالف اسلام هم منع شده بود (قانون مطبوعات، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی). تصویب این قانون واکنش شماری از روزنامه نگاران را که خواهان آزادی بیشتری بودند را برانگیخت که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت

۷. نمو روزنامه ها در دوره اول مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ه. ق)

پیروزی جنبش مشروطه خواهی و استقرار نظام پارلمانی در ایران، آغاز دوره جدیدی برای مطبوعات و فعالیت آنان به شمار می آید. در این دوره، مطبوعات زیادی با بهره گیری از فضای باز سیاسی منتشر شدند. در زمان صدور فرمان مشروطه، چند روزنامه که اغلب جنبه خبری و ادبی داشتند در تهران و شهرستانها به چاپ می رسیدند. اندکی بعد و پس از افتتاح مجلس (شعبان ۱۳۲۴ ق) در حالی که تا پایان سال ۱۳۲۴ ق بیش از چهار ماه نمانده بود و هنوز مقرراتی برای چاپ و انتشار روزنامه وضع نشده بود، بیش از بیست امتیاز روزنامه در این چهار ماه برای انتشار صادر گردید که غالباً به همان رسم و ترتیب دوره استبدادی و با موافقت وزیر انطباعات و صدور فرمان شاهی منتشر می شدند. این نشریات با شجاعت کامل از مشروطیت جوان دفاع کرده، اهمیت آن را برای ملت تشریح می نمودند و در مدتی بسیار کوتاه، توده ناآگاه را با الفبای اندیشه های نوین چون اصلاح طلبی، عدالت خواهی، آزادمندی و ترقی خواهی آشنا کردند (کهن، ۱۳۶۲: ۲۱).

سال ۱۳۲۵ ه ق نقطه عطفی در تاریخ مطبوعات به شمار می رود. در ابتدای این سال و در زمان تشکیل نخستین کابینه دوره مشروطه به ریاست میرزا نصرالله مشیرالدوله، وزارت انطباعات منحل شد و وظایف و اختیارات آن به وزارت علوم و معارف محول گردید (پروین، ۱۳۷۹، ۲: ۴۸۵). انحلال وزارت انطباعات باعث افزایش انتشار روزنامه ها و آزادی بیشتر روزنامه نگاران در بیان آزادانه تر مطالب خود در جهت روشنگری و افزایش سطح آگاهیهای مردم شد. با انحلال این وزارتخانه، تاریخ مطبوعات ایران وارد مرحله نوینی شد از این پس، روزنامه نگاران آزادیخواه با بهره گیری از فضای تازه، تلاش در جهت ارتقای بینش سیاسی توده مردم و دستیابی به اهداف انقلاب را افزایش داده و به انتشار وسیع تر اخبار و مطالب گوناگون روشنگرانه پرداختند. ادوارد براون سال ۱۳۲۵ ق را نقطه اوج فعالیت روزنامه ها دانسته است و تعداد روزنامه های منتشر شده در این سال را ۸۴ عدد ذکر کرده است (براون، بی تا، ج ۲: ۱۶۱). محیط طباطبایی تعداد این روزنامه ها را ۷۷ عدد ذکر کرده است که ۴۸ روزنامه در تهران و بقیه در شهرستانها فعالیت می کردند (طباطبایی، ۱۳۵۷: ۱۳۳). تا پایان سال ۱۳۲۵ ق از تعداد روزنامه های فعال در تهران به میزان قابل توجهی کاسته شد و تعداد آنها به ۲۰ روزنامه تنزل پیدا کرد. تقریباً همین تعداد روزنامه نیز در سایر شهرها فعال بودند (ندای وطن، س ۲، ش ۱: ۲۰).



افزایش ناگهانی مطبوعات با توجه به عدم وجود تجربه مطبوعاتی و سیاسی توسط بسیاری از دست اندرکاران این مطبوعات، طبعاً آشفتگی هایی را نیز در پی داشت. ناشران این روزنامه ها اهداف مختلفی از چاپ و انتشار آنها دنبال می کردند. اغلب این روزنامه ها با همه شور و جوشی که داشتند به علت ناآگاهی از اوضاع جهان و از معنی درست مشروطه و آزادی و نداشتن راهنمایان و آموزگاران آشنا به زندگانی اجتماعی و اصول کشورداری، در کار خود درمانده و سرگردان بودند و هر یک مشروطه و آزادی و قانون را به معیار ذوق و سلیقه خویش و به میزان اطلاعاتی که از پیش داشتند می سنجیدند (آرین پور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۴). به نوشته کسروی برخی از نویسندگان این روزنامه حتی نمی دانستند چه می خواهند بنویسند (کسروی، ۱۳۶۳، ۲۷۴). نوشته های برخی از آنان پر از تناقض گوییها و نشان دهنده عدم شناخت درست آنان از مفهوم مشروطه بود. به عنوان مثال، در یکی از شماره های روزنامه مجلس چنین آمده است: «حکومت ایران همواره از زمان کیومرث تا به حال مشروطه بوده است» (مجلس، ۱۳۲۴، ش ۶۵: ۴). یکی «می خواست با دلیل های فلسفی مشروطه را روشن گرداند دیگری سعی می کرد با گفته های صوفیان و شعرهای مثنوی و قرآن و حدیث مشروطه را دستگاهی اسلامی معرفی کند. در واقع به جای شناخت آن می کوشیدند که مشروطه را از معنای درست خود بیرون آورده و هر کس بدلیخواه معنای دیگری به آن دهند... بجای آنکه پیروی از آیین مشروطه کنند میکوشیدند آن را پیرو رفتار و شیوه زندگانی خود گردانند» (کسروی، ۱۳۶۳: ۲۷۵-۲۷۴). در این میان تعدادی از روزنامه های پرمغز و پرمایه ای بودند که محتوای مطالبشان را در جهت نیات و اندیشه های آزادیخواهانه ملت ایران سوق می دادند. این دسته از روزنامه ها علاوه بر مشروطه طلبی و آزادیخواهی، مسائل اجتماعی و اقتصادی را نیز در صفحات خود منعکس کرده و آشکارا از حقوق مردم جامعه در مقابل هیئت حاکمه و دیگر زورمندان دفاع می کردند (پارسا بناب، ۱۳۸۳: ۲۱). از جمله این روزنامه ها می توان به ندای وطن، تمدن، روح القدس، صوراسرافیل و حبل المتین و مساوات و نسیم شمال اشاره کرد. که در میان آنها سه روزنامه صور اسرافیل و مساوات و حبل المتین از نظر تاثیر و اهمیتی که در تحول افکار و اوضاع داشتند در درجه بالاتری قرار دارند. روزنامه صور اسرافیل در اولین شماره خود، اهداف خود از تاسیس این روزنامه را حمایت از مجلس شورای ملی و معاونت روستائیان و ضعفا و فقرا و مظلومین و حریت و مساوات برشمرده است (صوراسرافیل، ۱۳۲۵، شماره ۱: ۱). با وجود رشد روزافزون روزنامه ها در این دوره، اغلب آنها بیش از چند هفته یا چند شماره و حتی گاهی یک شماره دوام نیاورده و تعطیل شدند (ندای وطن، ۱۳۲۶، ش ۱: ۲۰).

#### ۸- تعامل مجلس اول و مطبوعات

یکی از اولین اقدامات آزادیخواهان پس از استقرار نظام مشروطه، تاسیس روزنامه "مجلس" در جهت تحقق روزنامه نگاری آزاد و مسئولانه بود که سعی داشت ارتباط مجلس ملی نوپا با مردم را برقرار نموده و اخبار و مذاکرات مجلس را به اطلاع عموم برساند. میرزا محمدصادق طباطبایی مدیرمسئول این روزنامه، فرزند سید محمد طباطبایی از موسسین و پیشقدمان مشروطیت بود و همین مزیت سبب گردید که عنوان روزنامه آزاد به روزنامه مجلس داده شود و از تفتیش و نظارت دولت معاف باشد و درباریان نتوانستند از دادن این عنوان به روزنامه وی جلوگیری نمایند (صدرهاشمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۶؛ دولت آبادی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۹۴). مجلس اولین روزنامه ای بود که هیچ گاه برای بازبینی و بازرسی به وزارت انطباعات نرفت (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۴۵) انتشار روزنامه مجلس باعث جلب افکار عمومی به مباحث و مذاکرات مجلس شورای ملی شد. این روزنامه وسیله ارتباط بین نمایندگان و مردم بود و نمایندگان نیز با آگاهی از اهمیت انتشار افکار خود توسط روزنامه مجلس، از تربیون مجلس شورای ملی به نفع خود و موکلان خود جهت تبلیغ استفاده می کردند.

علاوه بر روزنامه مجلس، روزنامه های دیگری چون حبل المتین نیز به انعکاس اخبار و تصمیمات مجلس شورای ملی می پرداختند. این روزنامه در برخورد با اختلافات و تفاوت سلاقی نمایندگان در موضوعات مختلف، آنان را به دوری از عداوت و دشمنی و حفظ اتحاد و یکپارچگی در جهت تامین مصالح مملکت فرا می خواند (حبل المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۲۴، ش ۱۰۴: ۳).

آگاهی بخشی و آشنایی هر چه بیشتر مردم و بخصوص نمایندگان مجلس با افکار مترقی و آزادیخواهانه از اهداف اساسی روزنامه های این دوره بود. مدبرالممالک هرندی مدیر روزنامه تمدن که با نظامهای پارلمانی کشورهای اروپایی آشنایی داشت، انتشار مقالاتی در جهت معرفی مشروطه و دمکراسی به منظور جلب نظر و توجه اعضای مجلس شورای ملی را در دستور کار خود قرار داد (کهن، ۱۳۶۲: ۶۳). دفاع از مجلس در مقابل هجومه های مخالفان، از دیگر اقدامات روزنامه های این دوره بود. روزنامه های آزادیخواه در مقابل درباریان و شخصیتهای صاحب نفوذ مخالف مشروطه به دفاع از مجلس و نهادهای مشروطیت می پرداختند. صوراسرافیل ادعاهای ضد دین و مذهب بودن مجلس توسط مخالفان را رد کرده و بلکه حفظ دین و دفاع از مظلومین و آزادی قلم و افکار و اقوال را جزو وظایف آن دانسته است (صوراسرافیل، ۱۳۲۵، ۳: ۲-۱). روزنامه تمدن نیز ضمن دفاع از حکومت پارلمانی، به تلاش در جهت تقویت جایگاه مجلس به عنوان یکی از اصلیتین ارکان حکومت مشروطه پرداخت. این روزنامه در شماره دوم خود به سرزنش درباریانی پرداخت که از شرکت در انتخابات مجلس طفره رفته بودند و آنها را از این جهت که چرا در تقویت مجلس ملی که به گفته این روزنامه « برای راحت نفوس و امنیت بلاد و رفع مفاسد... و اصلاح امور... ایران و ایرانیان .. است» کوتاهی می کنند، مورد نکوهش قرار داد (روزنامه تمدن، ۲۴ ذی الحجه ۱۳۲۴، ش ۲: ۱). نگاه حبل المتین در دفاع از مطبوعات و مجلس و خصوصاً روشن ساختن افکار عمومی نسبت به خرافاتی که از سوی عوامل استبداد به مجلس نسبت داده می شد جالب و درخور توجه است. این روزنامه در یکی از شماره های خود به مخالفان مشروطه تاخت و تلاش آنها برای اثبات نحوست و شوم بودن مجلس و مشروطه با تمسک به تقارن با وقوع رویدادهایی چون بیماری و مشاهده ستاره دنباله دار مورد نکوهش قرار داد و آن را ترویج خرافات در جهت برانگیختن مردم بر علیه مشروطه خواند و چنین نوشت: « بار الها نابود و معذب فرما کسانی را که ماها را تا به این درجه، نادان و جاهل خواسته اند...» (حبل المتین، ۱۷ رمضان ۱۳۲۴، ش ۱۰۴: ۳).

مطبوعات این دوره، نظام نوین مشروطه و به ویژه مجلس را دلیلی بر مشارکت مردم در امور جامعه می دانستند. روزنامه صوراسرافیل موافقت و همراهی عمومی با رای و نظر مجلس شورای ملی را لازم می دانست و توصیه می کرد در مواقعی که دولت و پارلمان اقدام به کار بزرگی کند که به صلاح عمومی و در چارچوب قانون باشد، مردم با ارائه کمک های مالی یا جانی، موافقت و همراهی خود را با آن نشان دهند (صوراسرافیل، ۱۱ جمادی الاول ۱۳۲۶، شماره ۳۱: ۳). روزنامه صبح صادق در مقاله ای با عنوان بشارت، مجلس را اسباب ترقی و پیشرفت دانست و نمایندگان مجلس و دولت را به مذاکره و رفع اختلافات دعوت نمود (صبح صادق، ۲۰ شعبان ۱۳۲۵، ش ۱۴۰: ۱).

«زشت و زیبا» روزنامه دیگری است که به ستایش از مجلس پرداخته و نقش آن را در مبارزه با فساد مورد تمجید قرار داده است. این روزنامه که به مدیریت فتح الممالک و در سال ۱۳۲۵ ق منتشر می شد، در شماره دوم خود به امتیازات نظام مشروطه و ارکان آن پرداخت و نقش مجلس در جلوگیری از فساد را تحسین نمود (زشت و زیبا، ۱۳۲۵، شماره ۲: ۷). ستایش و تعریف و تمجیدهای مطبوعات از مجلس، مانع از نگاه انتقادآمیز آنان نسبت به نمایندگان نشد. چنانکه با زیر سوال بردن برخی از

تصمیمات مجلسیان، خواهان پاسخگویی آنها می شدند. روزنامه حبل المتین در مقاله ای با عنوان «نواقص پارلمان» نوشت که استبداد را از ارگ دولتی برداشته و در عمارت بهارستان آورده اند (روزنامه حبل المتین، ۱۳۲۵ق، شماره ۱۴۳: ۲). روزنامه ندای وطن در یکی از شماره های خود، به نمایندگان مجلس شورای ملی در مورد مداخلات دولتهای روس و انگلیس در ایران هشدار داده و خواهان هوشیاری نمایندگان در جلوگیری از نفوذ بیگانگان در کشور شده بود (ندای وطن، پنج شنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۳۲۴: ۸).

در واکنش به مطالب روزنامه ها، برخی از نمایندگان مجلس، با تسلیم در برابر فشارهایی که دربار و دولتیان به منظور کنترل مطبوعات بر مجلس وارد می آوردند، خواهان اعمال محدودیت های بیشتر بر روزنامه هایی بودند که اخبار یا به اصطلاح «اسرار مگو» را منتشر کرده و در اختیار عموم مردم قرار می دادند. صنایع الدوله، وزیر علوم و رئیس مجلس شورای ملی، تنها خاصیت مطبوعات را ایجاد نقارمی دانست و با این استدلال که «شاه در تمام ممالک مقدس است»، فرمان توقیف روزنامه روح القدس که مطالبی در انتقاد از شاه منتشر کرده بود را صادر نمود (مذاکرات مجلس شورای ملی دوره اول، ۱۳۲۵: ۳۷۴). در واکنش روزنامه صور اسرافیل برخی از نمایندگان مجلس را به همدستی با مخالفان مشروطه متهم کرده و نوشت که ایرانیان در زمان انتخابات نمایندگان مجلس، چشمان خود را باز نکرده و فریب مواردی چون «کلفتی گردن، بزرگی عمامه، بلندی ریش، زیادی اسب و کالسکه» را خوردند (صور اسرافیل، ۱۳۲۵، ش ۲۲: ۸-۷).

در زمان تدوین قانون مطبوعات اختلاف نظرهای زیادی میان نمایندگان مجلس بروز پیدا کرد. مخبرالسلطنه هدایت که در آن زمان وزیر علوم بود، به نوشته خودش قانون مطبوعات را از روی قانون فرانسه نوشته به مجلس برد اما تصویب نشد (مخبرالسلطنه، ۱۳۴۴: ۱۵۲). او در جای دیگر نوشته بود: «روزنامجات باغراض گوناگون آبرو برای کسی باقی نگذاردند، اگر احیانا حقیقتی یا دردی را موضوع مقاله قرار میدادند لهجه زشت و ظهور دمه‌های خروس اصل منظور را از بین میبرد، معلوم نبود از زبان کی سخن میگویند» (مخبرالسلطنه، ۱۳۴۴: ۱۵۱). سرانجام نمایندگان به منظور اعمال نفوذ و کنترل بیشتر بر روزنامه ها، قانون مطبوعات را تصویب کردند. تصویب این قانون نیز چندان خوشایند مطبوعات نیفتاد و اعتراض آنان را برانگیخت. نشریه معارف با چاپ مقاله ای در یکی از شماره های خود، این قانون را به باد انتقاد گرفت (معارف، ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۶، ش ۱۲: ۷). روزنامه مساوات شماره ویژه ای را به روزنامه های درباری دوره ناصرالدین شاه اختصاص داد و قانون جدید را نوعی بازگشت به شرایط سرکوب آن دوران دانست (مساوات، ۳ ربیع الاول ۱۳۲۶ق، ش ۱۹: ۲). روزنامه صور اسرافیل آن را تلاش برای محدود کردن هرچه بیشتر مطبوعات نامید. روزنامه حبل المتین نیز در مقاله ای، تصویب قانون مطبوعات در مجلس را زیر سوال برده و پرسیده بود «آیا جای این حرفها در مجلس مقدس شورا است؟ آیا این کار تکلیف و کلاست؟» (حبل المتین، ۱۳۲۶، ش ۵۹: ۳). تدوین قانون مطبوعات، با تاخیر و فقط چهار ماه پیش از به توپ بستن مجلس و در حالی انجام پذیرفت که دربار و مستبدین خود را برای سرکوب مشروطه خواهان و درهم کوبیدن مجلس آماده می کردند و همین شرایط موجب تضعیف موقعیت آزادیخواهان در تدوین مفاد این قانون در مقابل آرای جناح محافظه کار گردید و ملاک و معیاری برای تحدید آزادی قلم و بیان گردید.

مجلس اول "برنامه های فوق العاده سنگین" و موانع بسیار در راه خلق مشروطیت و قانونمند کردن جامعه در پیش داشت (تقی زاده، ۱۳۳۷: ۸). این مجلس مصوبات و تصمیم گیریهای مختلفی را در زمینه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و

اقتصادی جامعه به تصویب رسانید و کوشید با تصویب این قوانین بخشی از انتظارات را جامه عمل ببوشاند. مطبوعات این دوره علاوه بر انعکاس این تصمیمات، به ابراز نظروبیان مواضع خود در قبال آنها نیز می پرداختند. برای بررسی بیشتر تعامل مجلس و مطبوعات، لازم است به اختصار به برخی از مهمترین اقدامات مجلس اشاره نموده و نحوه انعکاس آن در مطبوعات این دوره را مورد بررسی قرار دهیم.

#### ۱-۸. مخالفت با استقراض خارجی

اندکی پس از پیروزی انقلاب مشروطه و در همان اولین روزهای تشکیل مجلس اول، مشیرالدوله صدراعظم وقت با توجه به مشکلات مالی دولت و عدم توانایی در پرداخت معوقات خود، درصدد دریافت وام از خارجیان برآمد. به همین منظور مخبرالسلطنه به نمایندگی از سوی مشیرالدوله و به عنوان نماینده هیئت دولت درصدد برآمد با مجلس شورای ملی در این زمینه مذاکره نماید. در جلسه ۲۲ رمضان ۱۳۲۴ ق درخواست وام به مبلغ بیست کرورتومان از انگلیس و روس به منظور پرداخت حقوق سفرا، نیروی نظامی و هزینه های دربار از سوی دولت در مجلس مطرح شد. روس ها در مقابل پرداخت این وام همانند گذشته، گمرکات شمال را برای خود نگه میداشتند و انگلیسیها نیز خواهان درآمد تلگرافخانه و پستخانه بودند (کسروی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۷۷-۱۷۶). واکنشهای نمایندگان در این مورد متفاوت بود. گروهی که عمدتاً از شاهزادگان بودند با اخذ وام موافق بودند اما گروهی دیگر از نمایندگان با گرفتن وام از هر کشور خارجی مخالف بوده و آن را به زیان کشور می دانستند (جریده ملی، ۱۳۲۴ ق، ش ۱۸: ۱). معین التجار از نمایندگان مخالف استقراض خارجی دریافت این وام را به معنای تسلیم کشور به بیگانگان می دانست (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۲۲۸). در واکنش به طرح استقراض خارجی، برخی از نویسندگان مطبوعات، مخالفت علنی خود را با چنین قراردادی به وضوح بیان کردند. روزنامه روح القدس نسبت به طرح استقراض واکنش تندی نشان داد و در مقاله ای زیر عنوان «خطاب به مستبدین» نسبت به خیانتهای رییس الوزراء و دولتمردان، به محمدعلی شاه هشدار داد (روح القدس، ۱۳۲۵، ش ۲: ۲). سرانجام با رای مخالفت اکثریت نمایندگان مجلس این طرح عملی نشد. روزنامه جریده ملی که از سوی انجمن ملی تبریز چاپ و منتشر می شد از رد این لایحه در مجلس ابراز خوشحالی نمود (جریده ملی تبریز، ۱۳۲۴، ش ۱۳: ۱). این رویداد به تصور درباریان و دولتهای استعماری روس و انگلیس در مورد هیجانی و گذرا بودن احساسات ضد استبداد و ضد استعماری مشروطه خواهان و در نتیجه تسلیم و اطاعت مجلس از دربار، خط بطلان کشید و بر ارج و قرب مجلس در اذهان عمومی افزود.

#### ۲-۸. تلاش برای تاسیس بانک ملی

با توجه به خزانه خالی و وضعیت مالی آشفته دولت و در جهت رفع مشکلات مالی کشور، طرح تاسیس بانک ملی از طریق فروش سهام به مردم در ۱۲ شوال ۱۳۲۴ ه. ق در مجلس مطرح شد (کسروی، ۱۳۶۳: ۱۸۰). سپس اعلان بانک ملی ایران از طرف مجلس منتشر شد. همزمان با این اقدام، برخی نشریات کشور به دفاع از تاسیس بانک ملی پرداخته و با بیان مضرات و مشکلاتی که بانکهای شاهنشاهی و استقراضی تا آن هنگام برای کشور ایجاد کرده بودند، مجلس، دولت و مردم کشور را به همکاری و مشارکت جدی برای تاسیس بانک ملی فرا خواندند. روزنامه حبل المتین سرآمد این دسته از مطبوعات بود (حبل المتین، ۱۵

ربیع الثانی ۱۳۲۵، ش ۲۹:۳ سه شنبه ۸ شعبان ۱۳۲۵، سال اول، ش ۱۲۱، شنبه ۱۲ شعبان ۱۳۲۵ و سال اول، ش ۱۱۷، دوشنبه ۷ شعبان ۱۳۲۵).

روزنامه انجمن تبریز تاسیس بانک ملی را عامل پیشرفت و توسعه اقتصادی و مالی و راهی در جهت کاهش نفوذ بیگانگان میدانست (روزنامه انجمن تبریز، ۱۳۲۴ ق، شماره ۶۳، ص ۱؛ ش ۶۷:ص ۲؛ ش ۳۸: ۳). روزنامه ندای وطن نیز بارها با انتشار مطالبی در لزوم تاسیس بانک ملی و حمایت عمومی از این بانک بالاخص از کسانی که دارای ثروت و مکت عمده ای بودند ولی به دلایلی حاضر به کمک و سرمایه گذاری در این بانک جدیدالتاسیس نبودند انتقاد کرد (ندای وطن، سال اول، شماره ۱۵، شنبه ۲۴ محرم ۱۳۲۵: ص ۳). روزنامه صبح نامه با قلم بی پروای سید محمدرضا شیرازی (مساوات) نیز در شماره های مختلف خود به دفاع از تاسیس بانک پرداخته و دولتمردان و درباریان مخالف تاسیس بانک را بشدت مورد سرزنش قرار داد (صبحنامه، ۲۴ شوال ۱۳۲۴، ش ۱۶: ۲). روزنامه کشکول نیز به انحاء مختلف و از جمله با چاپ کاریکاتوری از صفوف زنان و مردانی که درصاف خرید سهام بانک بودند از تاسیس بانک حمایت کرد (کشکول، شماره ۱، صفر ۱۳۲۵ ق: ۴). با تمام تلاشهای صورت گرفته، به دلایل مختلفی تاسیس بانک ملی با موفقیت همراه نشد. از عوامل موثر در این زمینه می توان به نقش قابل توجه بانکهای شاهنشاهی و استقراضی اشاره کرد. مدت کوتاهی پس از انتشار نظامنامه بانک ملی، دو بانک مراتب اعتراض خود را نسبت به مفاد آن اعلام کردند (حسن معاصر، ۱۳۵۲: ۳۲۱). و تمام تلاش خود را برای تحت فشار قرار دادن دولت و مجلس در جهت جلوگیری از تحقق این طرح ملی انجام دادند (حسن معاصر، ۱۳۵۲: ۱۳۹-۱۳۸). اخبار اقدامات دولتهای روس و انگلیس در جهت جلوگیری از تاسیس بانک ملی و نیز وادار کردن دولت و مجلس ایران به اخذ وام از بانکهای آن دو کشور در صفحات روزنامه های این دوره انعکاس یافته است (حبل المتین، سال اول، ش ۴:۱، شنبه ۲۳ شوال ۱۳۲۵، ۳-۲)

با وجود حمایت مطبوعات و تلاشهای فراوان، تاسیس بانک ملی به دلایل مختلفی که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست، با موفقیت همراه نشد.

۳-۸. به رسمیت نشناختن قرارداد ۱۹۰۷

رقابت دیرینه دولتهای روسیه و انگلیس در ایران با ظهور دولت نیرومند آلمان و احساس خطر از جانب این کشور موجب همدستی و اتحاد موقت این دو کشور و بستن پیمانی میان آن دو در سال ۱۹۰۷ م (۱۲۸۶ ه.ش) و تقسیم ایران به مناطق نفوذ این دو کشور گردید (کسروی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۵۸). انتشار خبر انعقاد این قرارداد، اعتراضات و مخالفتهای زیادی را از سوی ایرانیان برانگیخت. نمایندگان مجلس این قرارداد را فاقد هر گونه مشروعیتی در ایجاد تعهد قانونی برای ایران دانستند و اعطای هرگونه امتیازی به دولتهای خارجی را صرفاً حق ملت ایران برشمردند (کسروی، ۱۳۶۳: ۴۶۴). مطبوعات نیز در واکنش به انعقاد این پیمان با درج مطالبی درباره زیانهای آن مخالفت خود را نسبت به آن ابراز نمودند. این روزنامه ها کوشیدند ضمن اطلاع رسانی از انعقاد چنین پیمان استعماری، افکار عمومی را از عواقب زیانبار آن آگاه کنند. روزنامه حبل المتین در این زمینه گوی سبقت را از بقیه روزنامه ها ربوده و در شماره های مختلف خود، با درج مطالبی، سعی در روشنگری و آگاهی مردم نسبت به زیانهای این قرارداد نمود. در شماره ۱۱۳ این روزنامه از دولت خواسته شده بود تا « رسماً به تمام دول اطلاع بدهند که بدون اطلاع ما هرگونه معاهده بسته شود از درجه اعتبار و صحت ساقط و عاطل است». سپس به ذکر محتوای پیمان ۱۹۰۷

می پردازد و از تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ روسیه تزاری و انگلستان و یک منطقه بیطرف یاد می کند و نسبت به خطر این قرارداد و بویژه بریاد رفتن استقلال ایران هشدار می دهد (جبل المتین، ش ۱۱۴: ۲).

روزنامه تمدن نیز در سرمقاله خود با عنوان «ایران مال ایرانیان است» دخالت روسیه تزاری و انگلستان را در امور ایران مردود دانست و به شدت با آن مخالفت کرد (تمدن، ۱۳۲۴، ش ۱۴: ۳). همچنین در مقاله دیگری، این معاهده را باعث تزلزل ارکان استقلال ایران دانسته و آن را روا داشتن ظلم در حق ایرانیان خوانده است که با هشیاری ملت، خاک ایران حفظ شده و به غیر واگذار نخواهد شد (تمدن، س اول، ش ۳۹: ۱۰۲). روزنامه مساوات نیز ضمن بیان مخالفت شدید مجلس با این قرارداد، آن را که به تعبیر این روزنامه «به مثابه یک نان قندی ایران را بین روس و انگلیس تقسیم کرده» است محکوم کرد (مساوات، ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۵، شماره ۱۰: ۷). روزنامه دیگری به نام «کشکول» دولتمردان را به غفلت و رخوت در این باره متهم کرده و نتایج آن را برای ایران زیان بار توصیف کرده است (کشکول، ۹ شوال ۱۳۲۵، شماره ۲۵: ۲). علیرغم هشدارهای مطبوعات در مورد زیان های این قرارداد و نادیده گرفتن استقلال و حاکمیت ملی ایران از سوی دو قدرت استعماری روس و انگلیس، نه تنها این قرارداد لغو نشد بلکه بهانه اشغال موقت ایران توسط نیروهای روسیه و انگلیس در جنگ جهانی اول گردید (حائری، ۱۳۵۷: ۱۳۲). سرانجام پس از انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۲۹۶ ش (۱۹۱۸ میلادی) و اضمحلال نظام تزاری در این کشور این قرارداد لغو شد.

#### ۹. مطبوعات و سلطنت

با مرگ مظفرالدین شاه در ذی قعدة ۱۳۲۴ ق، محمدعلیشاه بدون دعوت از روزنامه نگاران تاجگذاری کرد (۲۸ دی ماه برابر با ۴ ذیحجه ۱۳۲۴ ق). دوران سلطنت او نزدیک به یکسال و شش ماه بعد با به توپ بستن مجلس در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ ق دوره مشروطه اول به پایان رسید. وی «قادر نبود زیر بار قانون برود، مطلق العنانی می خواست» (مخبر السلطنه، ۱۳۴۴: ۱۹۰) و خواهان همان امتیازاتی بود که اجدادش از آن بهره مند بودند که بر مبنای آن، شاه قدرت خود را نه از مردم، بلکه از خداوند می گرفت، قدرتش نامحدود و کلامش به مثابه قانون تلقی می شد. به گفته سردبیر روزنامه مساوات، شاه از تقسیم قوا و اقتدار خود با دیگران به شدت ناراضی بود. بنابراین طولی نکشید که باب خصومت و دشمنی با مشروطه و مشروطه خواهان را مفتوح نمود (مساوات، ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۵ ق، ش ۱۰: ۴). به گفته تقی زاده محمدعلی شاه «قلبا بر خلاف مشروطه بود» (تقی زاده، بی تا، ۴۷). بر اساس چنین دیدگاهی بود که به زودی برخورد و صف آرای های میان طرفداران مشروطه و استبداد آغاز شده و باعث گردید در روز تاجگذاری شاه، نمایندگان ملت به مجلس دعوت نشوند (کسروی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۰۳-۲۰۲). با چنین اقدامی، محمد علی شاه بیشتر در مظان اتهام مخالفت با مشروطه و نهادهای برآمده از آن قرار گرفت. نمایندگان مجلس به او تاختند که «سلطان، سلطان ملت است باید از طرف ملت تاج گذارند و مجلس نماینده ملت است». (روزنامه مجلس، ربیع الاول ۱۳۲۶، شماره ۱۷: ۴ و کسروی، ۱۳۶۳: ۲۰۳). مطبوعات نیز به انتقاد از شاه پرداخته و اقداماتش را که بدون اطلاع مجلس و نمایندگان مردم انجام می داد، زیر سوال بردند. از جمله قرارداد محرمانه وام چهارصد هزار یورویی با انگلیس و روسیه که بحث و انتقاد زیادی را در مطبوعات برانگیخت. انتقادات مطبوعات از عملکرد شاه، نشانه و مقدمه نظارت ملت بر اقدامات شاه بود که محمدعلی شاه بهیچوجه آن را بر نمی تافت. اندکی بعد نمایندگان مجلس در صدد کاهش بودجه دربار و برخی از ادارات دولتی برآمدند. محمدعلیشاه به منظور مقابله با مشروطه خواهان و پیشگیری از چنین اقداماتی، امین السلطان را که

مسئول مذاکرات وامهای خارجی در دوره مظفرالدین شاه بود، به پست صدارت منصوب کرد (حمید مولانا، ۱۳۵۸: ۱۴۴). حتی صدارت امین السلطان و تلاشهای وی در جهت جلب رضایت مخالفان هم نتوانست مطبوعات را از انتقاد بازدارد. روزنامه صوراسرافیل به کرات و در شماره های مختلف خود به شرح مظالم حکام و درباریان و شاه پرداخت و با سخنان تندی شاه و درباریان نزدیک او را مورد انتقاد قرار داد. این روزنامه، شاپشال معلم و محافظ محمدعلی شاه را نکوهش کرده و او را جهود خواند (قاضی زاده، ۱۳۷۹: ۱۵۱). همچنین در شماره های مختلف خود دولتمردان و حکام ایالات را از جهت در پیش گرفتن همان روشهای اعمال ظلم و زور دوره استبداد محکوم کرده و شاه و درباریان را به انجام اقدامات ضد مشروطه از طریق سازماندهی مخالفان مشروطه و با استفاده از ثروت و دارایی ملی متهم کرد (صوراسرافیل، ش ۷ و ۸: ۱۴). این روزنامه در آخرین شماره خود که سه روز قبل از فاجعه به توپ بستن مجلس منتشر شد در سرمقاله ای زیر عنوان «ملت و دربار» به شدت به قزاقان روسی حمله کرده و آنها را وسیله ای برای سرکوب آزادی ملت روسیه توسط دولت این کشور دانسته است (صوراسرافیل، ۱۳۲۶، ش ۳۲: ۳). شاید این انتقادات باعث دشمنی شاپشال با مدیر صوراسرافیل شده بود. شاپشال به یکی از محترمین گفته بود «شاه به اصرار من میرزا جهانگیرخان و ملک المتکلمین را کشت» (رایینو، ۱۳۸۰: ۱۹۱). این انتقادات شاه را نیز به شدت خشمگین کرده بود. مخبرالسلطنه می نویسد: «در اوایل که روزنامه در تحت مسئولیت وزارت علوم بود، روزنامه تمدن تندیها کرد. شاه مرا خواست. اظهار تشدد و تغییر نمود» (مخبرالسلطنه، ۱۳۴۴: ۱۵۲). روزنامه روح القدس با بیانی صریح و بی پرده، استبداد و ارتجاع و عملکرد حکام ستمگر و حتی شاه را به باد انتقاد می گرفت و با توجه به طبع انتقادآمیز و شهادت فوق العاده ای که داشت از همان شماره نخست در مقام نصیحت گر دلسوز برآمده و شاه را به پرهیز از استبداد و خودکامگی و رعایت اصول مشروطه و رعایت حقوق مردم دعوت می کرد. در شماره سیزده این روزنامه در مقاله ای با عنوان «نطق غبی یا اشاره لاریبی» به شدت بر محمدعلی شاه تاخته و او را به جهت اعمال ضد مشروطه اش مورد حمله و انتقاد قرار داده است. نویسنده محمدعلی شاه را مدهوش و سرمست سلطنت که به قصابی ملت مشغول است توصیف کرده و سپس وضعیت نابسامان مملکت را زیر سوال میبرد که روز به روز ویرانتر و خاک و نفوسش طعمه گرگها می شود (روح القدس، ۱۳۲۵، ش ۱۳: ۳-۲). انتشار این سرمقاله باعث شد روزنامه توقیف شده و سلطان العلما به عدلیه احضار شود. بعدها در وقایع پس از به توپ بستن مجلس در ۱۳۲۶ ق دفتر این روزنامه توسط عوامل محمدعلی شاه اشغال شده و سلطان العلما به دست مهاجمین زخمی و اسیر گردید و پس از چند روز اسارت در باغشاه، مقتول گردید و پیکرش در چاه انداخته شد (رایینو، ۱۳۸۰: ۱۴۹).

مساوات، دیگر روزنامه مهم این دوره شاه را بزرگترین دشمن مشروطیت و آزادی معرفی کرد. انتقادات تند آن باعث شد محمدعلیشاه بر علیه آن به عدلیه متوسل شود و محاکمه و مجازات مدیر آن را تقاضا کند (ملک زاده، ۱۳۸۳: ۴۴۰). مساوات در زمره اصلی ترین مطبوعات مشروطه خواه قرار دارد. مدیر این روزنامه جزو هشت نفری بود که تقاضای خودشان را برای تشکیل مجلس شورا به محمدعلیشاه دادند. مقاله ای از این روزنامه با عنوان «شاه در چه حال است؟» و پرخاش صریح وی به محمدعلی شاه باعث توقیف روزنامه و تعقیب ناشر آن گردید. پس از به توپ بستن مجلس شورای ملی، او توانست به قفقاز فرار کرده و از تعقیب و دستگیری توسط فرستادگان دستگاه استبدادی محمدعلیشاه در امان بماند. سپس به تبریز بازگشت و به انتشار روزنامه مساوات در تبریز انتشار دهد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به عنوان نماینده مردم تبریز به مجلس راه یابد (رایینو، ۱۳۸۰: ۲۳۴).

انتشار مطالب انتقادآمیز مطبوعات خشم محمدعلی شاه و درباریان را برانگیخت. محمدعلی شاه از روزنامه نگاران به عنوان بانیان «اختلال و اغتشاش» یاد کرد و عزم خود را برای مقابله و سرکوب آنان جزم کرد. کنترل این روزنامه ها از سوی دربار، به دلیل نفوذ بیش از حد آنان در بین مردم سخت و توقیف آنها بحران زا بود. به همین دلیل، شاه و درباریان در صدد برآمدن با انتشار مخفیانه شبنامه و نشریات و اعلامیه ها و نسبت دادن آنها به مشروطه طلبان شناخته شده، آنها را بدنام کرده و به عنوان مستی بابی و بی دین به مردم معرفی کنند که در پی فرصت جهت اهانت و ضربه زدن به مقدسات اسلام می باشند (حبل المتین، ۸ ربیع الاول ۱۳۲۶، شماره ۱۸: ۶-۵؛ ندای وطن، ششم ربیع الثانی ۱۳۲۶، ش ۲۴: ۳). اقدام دیگر مستبدین جهت مقابله با نفوذ مطبوعات خصوصا در تبریز که کانون آزادیخواهی بود، تقلید کورکورانه از نام و نشان روزنامه های مشروطه خواه بود. روزنامه های اتحاد و اسلامیه دو روزنامه روشنگرانه ای بودند که توسط میرزا ابوالقاسم ضیاء العلماء از مشروطه خواهان تبریز که جان و قلمش را بر سر عقیده و روزنامه نگاری آزادیخواهانه اش گذاشت منتشر می شد. کمی بعد شخصی به نام میرزا احمد بصیرت که یکی از عوامل ارتجاع و استبداد محمدعلی شاهی در تبریز بود با هدف شکار خوانندگان نشریه های ضیاء العلماء، دو روزنامه به همین نام ها به چاپ رساند که به دلیل عدم استقبال از سوی مردم، روزنامه اتحاد فقط پنج شماره منتشر شد و اسلامیه نیز بعد در سال ۱۳۲۵ تعطیل شد (کهن، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶۹). اقدام دیگر مقامات دربار، تلاش برای نفوذ در گروههای مدافع مشروطیت و تفوق بر اعضای میانه رو مجلس بود که تا حد زیادی موفقیت آمیز بود. کسروی تندرویهای مطبوعات را مورد نکوهش قرار داده و از اینکه در بیان آزادیخواهی صرفا به گله و شکایت از دربار و بدگویی از شاه و اطرافیان او پرداخته و ملاک آزادیخواهی را بدگویی و ناله بیشتر می دانستند را درست ندانسته است (کسروی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۷۵). با تندرویهای مطبوعات بهانه کافی برای شاه و درباریان و متحدانشان فراهم شده بود. ناگفته نماند که تلاشهایی در جهت رفع اختلافات شاه با مجلس و مطبوعات صورت گرفت که به دلایل مختلف ناکام ماند. در ربیع الثانی ۱۳۲۶ ه. ق کشمکش شاه و مجلس بالا گرفت، شاه خواستار توقف انتقاد و فحاشی ناطقین و روزنامه نگاران علیه خود بود. در مقابل، مجلس نیز خواستار اخراج شش نفر از مخالفان مشروطه و مسببان اصلی تحریکات و اقدامات ضد مشروطه از اطراف شاه بود. این شش نفر شامل امیربهدار، شاپشال که معلم شاه بوده، مفاخرالملک، امین الملک پسر وزیر بقایا، مقتدرالملک، مجلل السلطان بود (Marling to gray, 1907, 416-435). شاه اجرای تقاضای خود را شرط قبول قرار می دهد و قرار می شود در زمان واحد هر دو امر اجرا شود. روزنامه نگاران و سخنرانان مشروطه خواه دست از انتقاد و بدگویی علیه شاه بر می دارند. اگرچه شاه در ابتدا به وعده خود عمل نمی کند، اما در نهایت این ۶ نفر با وساطت و میانجیگری برخی از نمایندگان انجمنها و شاهزادگان از دربار کناره جستند (هدایت، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۱۹). سرانجام با دسیسه شاه و مستبدین، لیاخوف روسی در سال ۱۲۸۵ ه. ش (۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ق) به دستور شاه مجلس رابه دلیل آزادیخواهی و عدم تمکین در برابر استبداد محمدعلی شاه و مقاومت و مخالفت با نفوذ بیگانگان به توپ بست و دفاتر روزنامه نگاران دستخوش غارت و آتش سوزی گردید. مطبوعات توقیف و روزنامه نگاران دستگیر و زندانی شده و یا مجبور به گریز از کشور و پناهندگی شدند. به دستور شاه در فردای همانروز یعنی ۲۴ جمادی الاولی، جهانگیرخان صوراسرافیل و ملک المتکلمین و تعدادی دیگر از آزادیخواهان به طرز فجیعی قتل رسیدند (هدایت، ۱۳۶۳: ۲۲۱). و بدین ترتیب با تخریب مجلس و سرکوب مشروطه خواهان، فصلی نو از سانسور و خفقان در تاریخ مطبوعات ایران آغاز شد.



مطبوعات این دوره به پشتوانه آزادی های به دست آمده پس از مشروطیت، علاوه بر شاه و درباریان مجلس و دولت را نیز آماج انتقادات خود قرار دادند. مطالب روشنگرانه و جسارت و بی پروایی برخی از صاحبان قلم و تندرویهای برخی دیگر موجب نارضایتی دولتیان و درباریان و سایر ارباب قدرت شده و شکایت آنان از مندرجات این روزنامه ها را در پی داشت. در روزنامه هایی چون صوراسرافیل سخنان تندی نوشته می شد و علاوه بر شاه، برخی از دولتمردان بشدت مورد انتقاد قرار می گرفتند. بعد از انتشار شماره اول صوراسرافیل مخبرالسلطنه هدایت وزیرمعارف، با ارسال نامه ای، میرزاجهانگیرخان صوراسرافیل را به بازپرسی و استنطاق خواند. این اولین واکنش رسمی دولت مشروطه در برابر روزنامه نگاران بود (قاضی زاده، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

بر مبنای گزارشات مطبوعات، در ابتدای تشکیل مجلس شورای ملی، علیرغم تصریح اصل ۴۲ قانون اساسی به مسئولیت دولت در برابر مجلس و پاسخگویی وزیران و الزام آنان در ارائه گزارش از انجام مسئولیتهای محوله به مجلس، نه تنها مشیرالدوله بلکه وزرای کابینه اش نیز، چندان به حضور و پاسخگویی در مجلس اعتقاد نداشته و آن را جدی نگرفته بودند. نمایندگان مجلس بعد از چندبار فراخوان به وزیران کابینه که با بی اعتنایی و عدم حضور آنان مواجه شد، طی جلسه ای در تاریخ ۷ ذی الحجه ۱۳۲۴ق، وزرای کابینه را افرادی غیرمسئول و کارشکن و متقلب نامیدند که در صدد اغفال شاه هستند. روزنامه مجلس، ضمن بیان این رویدادها از تصمیم نمایندگان مجلس برای استحضار شاه از وضع موجود و اقداماتی جهت الزام وزیران به همراهی با مجلس خبر داد (کشکول، ۱۳۲۵، ش ۱۵: ۲؛ مجلس، ۱۳۲۴، شماره ۳۲: ۳). روزنامه کشکول و کلای مجلس چون از پاسخگویی و عزل و نصب وزیران کابینه مایوس شدند، انفصال آنها را از محمدعلی شاه خواستند. شاه این درخواست را نپذیرفت و این موضوع در نظر برخی افراد که این روزنامه آنها را «کوتاه نظران» نامیده است به منزله ی خواری و خفت و ضعف مجلس تلقی گردید (کشکول: ۳). روزنامه روح القدس، وزرای دولت را از اینجهت که بدون استحقاق و لیاقت شخصی به مسند ریاست رسیده و به غصب حقوق مردم و غارت سرزمین مشغولند، مورد مذمت و نکوهش قرار می دهد (روح القدس، ۶رمضان ۱۳۲۵، شماره ۱۰: ۱). روزنامه حبل المتین بی نظمی و ناهماهنگی ها در وزارتخانه و ادارات دولتی و اهمال و سستی مشیرالدوله در عملکرد شایسته و درخور مقام ریاست الوزراییش را مورد انتقاد قرار داده و این اهمال کاریها را عامل اصلی در عدم کارایی مجلس شورای ملی برشمرده است (حبل المتین، صفر ۱۳۲۵، شماره ۳۰: ۱). صور اسرافیل نیز در موارد متعددی به عملکرد دولتمردان خرده گرفته و آن را زیر سوال برده است وزیران دولت را به مانند دوره پیش از مشروطه، بی تخصص و ناکارآمد می داند (صوراسرافیل، ۱۳۲۵ق، ش ۱۱: ۸). همچنین از کاربرد روشهای عصر استبداد در برخورد با توده مردم توسط حاکمان دولت مشروطه و رواج رشوه گیری و رشوه دهی برای سپردن و گرفتن مقام و منصب و حکومتهای محلی در بین دولتمردان خبر می دهد (صوراسرافیل، ۱۳۲۵ش، ش ۱۷: ۷).

نتیجه گیری

پیروزی و استقرار نظام مشروطه، عصر طلایی مطبوعات از نظر کثرت و تنوع و آزادی بیان را رقم زد. اختصاص اصولی از قانون اساسی و متمم آن به مطبوعات، هویت قانونی پررنگ تری به آنان اعطا نمود و به دنبال آن دهها روزنامه در تهران و شهرستانها سر برآوردند (۱۳۲۶-۱۳۲۴ه.ق). این روزنامه ها تلاش نمودند تا صرفا راوی رخدادهای روزگار نباشند بلکه در

سطحی فراتر و در تعامل با مجلس و شاه و دولتمردان، مسئولیتها و وظایفشان در حکومت مشروطه را به آنان یادآوری نموده و با انتشار مطالب آگاهی بخش، مردم را با حقوق اساسی خود در نظام مشروطه آشنا نمایند. گفتمان غالب این مطبوعات تاکید بر آزادی و عدالت و جهت گیری انتقادی در برخورد با حکومتگران بود. سیر تحولات و رویدادهای بعدی، توفیق آنان در تحقق برخی از اهدافشان را به وضوح نشان داد اما دوران آزادیشان دیری نپایید و به زودی گرفتار تهدید و ارباب و فشار مخالفان مشروطه و بخصوص شاه و درباریانی شدند که طبع استبدادی و منافع آنها با رویکرد انتقادی و گاه تندروانه مطبوعات سازگار نبود. سرانجام با به توپ بستن مجلس و سرکوب آزادیخواهان و توقیف مطبوعات به دستور محمدعلی شاه ، دوره مشروطه اول در ایران به پایان رسید و با بازگشت موقت استبداد(صغیر)، فصلی نواز سانسور و خفقان در تاریخ مطبوعات ایران آغاز گشت..

#### کتابنامه

- آرین پور، یحیی، (۱۳۵۷). از صبا تا نیما، ج اول، تهران: انتشارات فرانکلین.
- احتشام السلطنه، (۱۳۶۷)، خاطرات ، به کوشش و تحشیه سید محمد مهدی موسوی، چاپ دوم، تهران، زوار.
- ادوارد براون، (بی تا)، تاریخ مطبوعات ایران، ترجمه محمدعباسی، تهران، معرفت.
- پروین، ناصرالدین، (۱۳۷۹). تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ج ۲، تهران، نشر دانشگاهی.
- تقی زاده، سیدحسن، (۱۳۶۸). خاطرات، تهران: انتشارات علمی.
- حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۷). تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، امیرکبیر.
- حقدار، علی اصغر، (۱۳۹۵). مجلس اول و نهادهای مشروطیت، چاپ دوم، تهران، باشگاه ادبیات.
- رابینو، ه.ل، (۱۳۸۰). روزنامه های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹، ترجمه جعفر خمami زاده، چاپ دوم، تهران، اطلاعات.

دولت آبادی، یحیی، (۱۳۶۲). حیات یحیی، ج یکم، تهران: عطار.

شریف کاشانی، محمد مهدی، (۱۳۶۲). واقعات اتفاقیه در روزگار، تهران، نشر تاریخ ایران.

صدرهاشمی، محمد، (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات کمال.

طباطبایی، محیط، (۱۳۵۷). تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات بعثت.

کهن، گوئل، (۱۳۶۳). تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ج یکم، تهران: آگاه.

کسروی، احمد، (۱۳۶۳). تاریخ مشروطه ایران، ج یکم، چاپ شانزدهم، تهران، امیرکبیر.

گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، (۱۳۸۴)، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

قاضی زاده، علی اکبر، (۱۳۷۹). جان باختگان روزنامه نگار، چاپ اول، تهران: جامعه ایرانیان.

ورنر، سورین؛ تانکارد جیمز، نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.

معمدنژاد، کاظم؛ معمذنژاد، رویا، (۱۳۸۶). حقوق ارتباطات، ج ۱، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و توسعه رسانه.

. مخبرالسلطنه ( مهدیقلی خان هدایت)، (۱۳۴۴). خاطرات و خطرات، چاپ دوم، تهران، زوار.

مخبرالسلطنه ( مهدیقلی خان هدایت)، (۱۳۶۳). گزارش ایران، به اهتمام محمدعلی صوتی، ج ۳ و ۴، تهران، نشر نقره.

ملک زاده، مهدی، (۱۳۸۳). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج یکم. تهران: انتشارات سخن.

معاصر، حسن، ۱۳۴۷، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ج ۳، ترجمه کاظم انصاری، تهران، ابن سینا.

مولانا، حمید، (۱۳۵۸). سیر ارتباطات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.

مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهارده دوره تقنینیه، (۱۳۲۳)، مطبعه مجلس.

متن قانون مطبوعات، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

نوروزی خیابانی، مهدی، (۱۳۸۶)، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، چاپ سوم: تهران، نشر نی، (۲)

Weber, Max (1978), *Economy and Society*. Vol.I. New York: Bedminster.

Marling to Gray, 31 December 1907, F.O. 416/435.

Nashat, *The Origins of Modern Reform in Iran, 1870-1880*, Urban, III, 1982.

حبل‌المتین، سال اول، ش ۱۴۳ (۱۷رمضان ۱۳۲۵ق)، ش ۲۹ (۱۵ربیع الثانی ۱۳۲۵ق)، ش ۳۰ (صفر ۱۳۲۵ق)، ش ۱۲۱ (۲شعبان ۱۳۲۵ق)، ش ۱۱۷ (۷شعبان ۱۳۲۵ق).

صبح‌نامه، سال اول، ش ۱۶ (۲۴شوال ۱۳۲۴ق).

کشکول، سال اول، ش ۱ (صفر ۱۳۲۵ق)، ش ۲۵ (۹شوال ۱۳۲۵ق).

تمدن، سال اول، ش ۲، (۲۴ذی‌الحجه ۱۳۲۴ق).

صبح‌صادق، سال اول، ش ۱۴۰، (۲۰شعبان ۱۳۲۴ق).

صوراسرافیل، سال اول، ش ۱، ۲۲ (۱۳۲۵ق)، ش ۲، (۱۳۲۵ق)، ش ۱۱ (۱۳۲۵ق)؛ سال دوم، ش ۳۱ (۱۱جمادی‌الاول ۱۳۲۶ق).

مجلس، سال دوم، ش ۱۷ (ربیع‌الاول ۱۳۲۶ق).

جریده‌ملی، سال اول، ش ۱۸ (۱۳۲۴ق).

مساوات، سال اول، ش ۱۰ (۲۱ذی‌الحجه ۱۳۲۵ق)، سال دوم، ش ۱۹ (۳ربیع‌الاول ۱۳۲۶ق).

ندای وطن، سال اول (۱۱ذی‌القعدة ۱۳۲۴ق)، ش ۲ (۱۳۲۴ق).

زشت‌وزیبا، ش ۲ (۱۳۲۵)، سال سوم، ش ۲۴۶ (ششم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ق).

#### مجلات

مجله کاوه، شماره ۲۵، سوم جمادی‌الاول ۱۳۳۶ ه.ق (۱۵ فوریه ۱۹۱۸)، برلین.